

بسم تعالی

موضوع تحقیق : اصول تربیت اسلامی

www.downloadhi.ir

انسان در واقعیت عینی خود دارای جنبه های شناختی، روانی، عاطفی، اخلاقی، اجتماعی، الهی و... است. که هر کدام می توانند منشأ اصل یا اصول تربیتی باشند. هر اصل تربیتی باید و نبایدی است که حداقل از یک خصوصیت طبیعی آدمی سرچشمه می گیرد. هدف تبیین اصول تربیت از دیدگاه اسلام می باشد که با استناد به آیات قرآن و حدیث کشف شده است.

با استناد به آیات و احادیث به تعریف اصول تربیتی اسلامی می پردازیم.

۱- تغییر ظاهر

این اصل می تواند از جمله اصول مهم تربیتی در دوران کودکی باشد. زیرا شکل گیری شخصیت و اخلاق درونی فرد، از مجرای گفتارها و رفتارهای وی خواهد بود. والدین ابتدا باید ظاهر سازی را مورد توجه قرار داده و ظواهر کودکی را به گونه ای تدبیر نموده تا در باطن وی تحول لازم ایجاد شود. مثلاً نگاه کردن، سخن گفتن، سکوت کردن، غذا خوردن و...و اگر به گونه ای مطلوب تنظیم کنند، احساسات، عواطف و تصمیم گیری های مطلوبی را در درون وی خواهند انگیزت. نمونه بارز این اصل تربیتی در رفتار پیامبر (ص) بود مثلاً امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: رسول خدا (ص) شیوه اش این بود که همچون بندگان غذا می خورد و به هیئت بندگان می نشست و این به سبب فروتنی نسبت به خدای تبارک و تعالی بود. (میزان الحکمه ج ۹ ص ۶۶۵) دلیل اصرار پیامبر (ص) بر حفظ ظواهر به این خاطر بود که توجه بدهند که ظاهر بر باطن تاثیر دارد مگر می شود کسی خود را بنده ی خدا بداند ولی به هنگام نشستن نه همچون بندگان، که مانند سلاطین جلوس نماید، در حالیکه بندگی حالتی است باطنی که تنها در ملازمت با ظاهری معین پدید می آید. (باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی)

۲- تحول باطن

منظور از ظاهر، کلیه ی امور مشهودی است که از فرد سر می زند و مظهر آن بدن است و مراد از باطن شئون غیر قابل مشاهده می باشد. مبنای مذکور بیانگر این مطلب است که هرگاه نقشی بر ظاهر انسان نمودار شود رنگ و بوی خود را در باطن می افکند. (مثلاً تباکی (نقش گریه) بازی کردن، باعث می شود فرد واقعاً به حالت گریه برسد.) حضرت علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: اگر بردبار نیستی خود را بردبار جلوه ده، چه اندک پیش می آید که کسی خود را شبیه به گروهی سازد و جزو آنان نشود. (نهج البلاغه، قصار ۲۰۷) هنگامی که خدای فرماید: قل ما یعبوا بکم ربی لولا دعائکم: اگر مرا نخوانید، به شما عنایتی نخواهم کرد. (فرقان ۷۷) نقش زنی ظاهر بر باطن، اختصاصی به ظواهر پسندیده ندارد، هرگاه رفتار یا گفتار مذموم بر جوارح آدمی نمودار شود، آهنگ باطنی خواهد انگیزت از این رو لقمان به فرزندش می فرماید: ولا تمش فی الارض مرحاً. (اسراء / ۳۷) تکبر و تفرعن، نقش است، اما حاصل آن فرعونی شدن دل می باشد. (باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی)

۳- اصل مداومت و محافظت بر عمل

از آنجایی که در جریان تربیت در پی آنیم که شاکله ای مطلوب در درون فرد پدیدار و پایدار شود و یا نظام شاکله نا مطلوب را در هم بریزیم نیازمند قاعده عامی هستیم که این مقصود را تأمین سازد که اصل مداومت و محافظت ما را بر انجام این عمل یاری می کند به این صورت که مداومت ناظر به کمیت و محافظت ناظر به کیفیت عمل است مداومت بر عمل استمرار آن را نشان می دهد و محافظت بر عمل مراقبت و مراعات شرایط و ضوابط آن را گوشزد می کند مداومت و محافظت در کنار هم تأمین کننده تأثیر مستمر ظاهر و باطن است مداومت بر عمل، اعضاء و جوارح را پیوسته به کار می دارد و مراقبت، هوشیاری و توجه را نسبت به ضوابط ظاهری و باطنی فراهم می آورد.

۴- اصل اصلاح شرایط

طبق این اصل باید از موانعی که بر سر راه تربیت دینی فرد است جلوگیری کرد و از جمله این امور عبارتند از: زدودن شک و راه های گمراه کننده از ذهن متربی، پرهیز دادن متربی از مصاحبت با افراد بد، از بین بردن هرگونه تشنگی فکری از ذهن متربی، و افزودن بر کنار زدن و ممانعت از عوامل مؤثری که مانع تربیت دینی فرد است همچنین باید در ایجاد و گسترش عوامل مؤثر در تربیت نیز گام برداشت و زمینه را برای این کار فراهم ساخت از جمله این امور عبارتند از زندگی در محیط مناسب، استفاده از نقش افراد صاحب نفوذ، انتخاب دوست مناسب، اسوه سازی، عالم بودن متربی، اهتمام متربی برای هدایت متربی، تشبیه به خوبان.

۵- اصل مسئولیت

اصل مسئولیت انسان، اصلی است که باید در تمامی بخشهای جریان تربیت و در تمام مقاطع و مراحل تربیت مد نظر قرار گیرد. انسان در دیدگاه اسلامی حامل امانت الهی تلقی شده و مسئولیتی عظیم را بر دوش گرفته است. مسئولیت و امانتی که بنا به نص قرآن کریم، آسمانها و زمین از پذیرفتن آن ناتوان بوده‌اند ولیکن انسان به دلیل اینکه امکان و استعداد علم را دارد، آن را پذیرفته است. در قرآن کریم چنین می‌خوانیم : انا عرضنا الامانة على السموات والارض والجبال فابين ان يحملنها واشفقن منها وحملها الانسان انه كان ظلوما جهولا (احزاب/ ۷۲) ترجمه: ما آن امانت را بر آسمانها و کوه‌ها و زمین عرضه کردیم، پس آنها از تحمل آن خودداری کردند و ترسیدند و انسان آن را حمل کرد، چون انسان ستم پیشه و جاهل بود.

۶- اصل آراستگی

خداوند انسان و نظام هستی را به بهترین و زیباترین صورت آفریده و می‌فرماید:

«الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» (السجده / ۷) «کسی که هرچه را آفریده به بهترین و زیباترین شیوه آفریده است».

و می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (التین / ۴) «به راستی ما انسان‌ها را به بهترین و زیباترین ترکیب آفریده‌ایم».

محافظت از زیبایی‌های موجود در محیط زندگی مقتضی آن است که انسان به زیبایی و آراستگی مشروع اهتمام لازم را بدهد؛

۷- اصل فضل

در رابطه تربیتی بین متربی و مربی عدم موازنه باشد یعنی در برابر هرگونه تحرک مثبت و مطلوب متربی عکس العمل نشان داد اما در برابر تحرکهای نامطلوب و منفی در پاره ای از موارد عکس العمل نشان داد. روشهای تربیتی:

۱) مبالغه در عفو: به محض کوچکترین یا اولین خطا فرد را مجازات نکنیم و او را عفو کنیم و حتی در عفو مبالغه کنیم نه اینکه بعد از معذرت خواهی و التماس او را عفو کنیم و فرصت اصلاح را به فرد بدهیم تا به جبران اشتباهش بپردازد.

۲) روش توبه البته نه به معنای بازگشت در اینجا توبه به معنای هدایت و توفیق (مربی به متربی خود که خطا و لغزش کرده و به او پشت کرده باز گشت کند و او را نسبت به زشتی کار خویش واقف کند و به سوی استغفار هدایت کند و توبه دوم به معنای توبه قبول بخشیدن متربی بدون وقفه و قبول او با تمام وجود به قول راجرز پذیرش مراجع بدون قید و شرط.

۳)مبالغه در پاداش : همیشه بهترین عمل فرد را به عنوان معیار و مبنای او قرار دهیم (تنبلی یک دانش آموز را به تمام رفتارهای خوب وید او تعمیم ندهیم)

۴) تبشیر: قول به عطایا و پاداش هایی بعد از انجام عمل نیک توسط متربی

۸- اصل عدل

عدل از جمله صفات مربی در نظام تربیت اسلامی است و مربی بدون رعایت اصل عدل نمی تواند مربی به معنای واقعی کلمه باشد همانگونه که خداوند تبارک و تعالی به عنوان مربی اصلی آدمیان می فرماید: و لا یظلمون فتیلا (اسراء/ ۷۱) ترجمه: خداوند به قدر باریک رشته ای که میان هسته خرماسست ظلم نمی کند؛ یعنی اینکه عدل در کار خداوند - تربیت انسان - اصلی حتمی و ضروری است و به هیچ وجه احتمال تخطی از آن وجود ندارد. لذا تربیت اسلامی باید این اصل را سرلوحه کار خویش قرار دهد. کما اینکه هدف از ارسال رسل نیز قیام به عدالت بوده است و خداوند خطاب به پیامبر می فرماید که اعلام کن که من برای برپاداشتن عدالت و پرهیز از ظلم مأموریت یافته ام. در قرآن کریم چنین می خوانیم: ... و قل امتن بما انزل الله من کتاب و امرت لاعدل بینکم (شوری / ۱۵) ترجمه: به امت بگو که من به کتابی که خدا فرستاد (قرآن) ایمان آورده ام و مأمورم که میان شما به عدالت حکم کنم.

۹- اصل عزت

مقصود از اصل عزت آن است که باید انسان را عزیز دانست و مایه های عزت نفس را فراهم آورد. یکی از صفات خداوند «رب العزه» است این صفت نشانگر آن است که خداوند هم مالک و صاحب عزت و هم تدبیر گر عزت است. در اسلام شرافت و کرامت از حیثیات ذاتی انسان و از حقوق طبیعی او است که چون حق حیات در همه حال با او است و نباید از وی سلب شود اما همه انسانها عزتمند نیستند از میان آنان تنها کسانی که در پرتوی عقل به تقوا و ایمان راه می یابند از عزت بهره برده اند. هنگامی که گفته می شود عزت نفس انسان را باید فراهم آورد مقصود آن نیست که تنها احساس عزت درونی را در او به وجود آوریم بلکه مراد آن است که باید احساس عزتی قرین با عزت واقعی نفس در او پدید آوریم و عزت واقعی و وجودی حاصل دست یافتن به کراماتی برتر از کرامت اولیه و عمومی انسان است و معیار این کرامت مضاعف تقوی می باشد.

۱۰- اصل تعقل

در تربیت باید روحیه تعقل و خردمندی و استفاده بهینه از این نیروی خدادادی فراهم آید برنامه های تربیتی روش ها و تکالیف تربیتی باید به گونه ای باشد که متربی را به سوی تعقل و تفکر بکشاند تا با استفاده از این نیرو و توان الهی به راه صحیح رهنمون گردد. رشد عقلی دارای دو مرحله است: مرحله طبیعی و مرحله اکتسابی، رشد طبیعی عقل از دوران کودکی و همزمان با رشد طبیعی بدن به طور خودکار آغاز می گردد و تا وصول به رشد نهایی خود همچنان ادامه دارد، رشد اکتسابی عقل در صورت ایجاد شرایط نامساعد و تربیت می تواند از دوران کودکی آغاز گردد و بر خلاف رشد طبیعی محدود نبوده و در سنین متمادی با فراگرفتن علم و دانش رشد می یابد. بنابراین مفهوم اصل تعقل و تفکر چنین است که باید پویش فکری انسان را از لغزشگاه ها مصون دارد و مساعدت نماید تا به حقیقت هستی نایل آید. مایه اصلی تفکر، تعلیم و تعلم است. تفکر در گذشته و نتیجه ای که انسان از فکر خود می گیرد فکر خود را نیز رشد می دهد.

۱۱- اصل تذکر

جایگاه این اصل در اندیشه اسلامی، آنچنان رفیع است که گاه تنها وظیفه پیامبر (ص) تذکر گرفته شده : اَما انت مَذکر (غاشیه / ۲۱) اصل تذکر یعنی گاه باید آنچه را فرد به آن علم دارد برای او باز گفت یعنی همیشه نباید حرف تازه زد ، دشواریهای آدمی همه بخاطر نادانی نیست و همه دشواریهایش با علم چاره نمی شود . آنچه مایه ی هبوط آدم شد نادانی نبود زیرا او همه علوم را داشت - و علم آدم کلها (بقره / ۳۱)

۱۲- اصل مسامحت

انسانها به دلیل ضعف نفس در قبال به دوش گرفتن تکالیف فرو می شکنند و این خصیصه مانع از آن است که آدمیان در برابر تکالیف دشوار تاب آورند از این رو اصل مسامحت چون قاعده عامی است که در جریان ارتباط تربیتی باید آن را مراعات نمود. خداوند در مقام ربوبیت، اساس تکالیف را بر سهولت و قابلیت نهاده است و می فرماید: «...یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر...» خداوند حکم را برای شما آسان خواسته و تکلیف را مشکل نگرفته است. البته باید به این نکته توجه شود که مسامحت هرگز به معنای نادیده انگاری و چشم پوشی مطلق از خطای متربی نیست.

۱۳- اصل ابراز یا منع محبت

محبت نقش اساسی در طرز رفتار و سلوک انسان در زندگی دارد و آثار آن در یادآوری و تداعی اندیشه ها، بروز تمایلات و اعتقادات و همچنین در قلب و زبان و اندامهای دیگر ظاهر می گردد و می توان از صورت ابرازی نسبت به شیء مورد نظر جابجا شده و به هدف عالی تر یا پست تر منتقل گردید. نقش و اهمیت عواطف و انفعالات به حدی است که امام صادق در روایتی ایمان را منحصر در حب و بغض نموده است. قال الصادق (ع): هل الأیمان إلا الحب و البغض؟ آیا ایمان چیزی به غیر از حب و بغض است؟ طبق این اصل در جریان تربیت گاهی برای جلوگیری از اعمال ناشایست و یا انجام اعمال نیک باید از قدرت محبت به صورت بذل محبت یا حرمان محبت کمک گرفت و تغییر و تحولی که در نتیجه پیروی از این اصل در انسان به وجود می آید بسیار ژرف و بنیادی است.

۱۴- اصل سبقت

در کارهای خیر از دیگران پیشی بگیرد و روش تکلیف در غایت وسع را به کار گیرد؛ زیرا تکالیف مشکل و طاقت فرسا برجستگی های انسان را به ظهور می رسانند. مرحله نهایی ربوبی شدن فرد پس از تقوی مرحله یقین است و این موهبت ارزانی انسان های با لیاقت می شود.